

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۸ دسمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۲۲۴

رباعیات

- ۸ -

این هفت چراغ، کاندین ایوانند هر هفت ز هر هفت اثر، رخشانند
زهار مرو از پی ایشان، کایشان خود نیز به کار خویش، سرگردانند

آن را، که به جز عشق تو در سر نبود بر دل المی ز روز محشر نبود
هرچند گناه ما فراوان باشد از لطف و عطای تو فزونتر نبود

گفتم به فلک، که چیست در ملک وجود بحری، که برآرد به سخا از کان دود
گفت اینکه تو گوئی نبود گر خورشید باشد کف شهزاده اعظم محمود

آنی، که ترا نظیر و همتا نبود ور هست، برین تخته غبرا نبود

دست کرم، که هیچ محتاج مباد محتاج به قِطّه^۱ و تقاضا نبود

^۱ "قِطّه": کلمه عربی و اسم مرّه از "قِطّ" که در معنای "پشک" یا "گره" است. پس "قطه"؛ یعنی "یک پشک" یا "یک گره"